اَلتَّمرينُ الثّالِثُ:

أ. اِقْرَأِ الشِّعرَ الْمَنسوبَ إِلَى الْإِمامِ عَلـيٍّ، ثُمَّ عَيِّنْ تَرجَمَةَ الْكَلِماتِ الَّتي تَحتَها خَطٌّ.

أَيُّهَا الْفاخِرُ جَهلاً بِالنَّسَبْ	إِنَّمَا النّاسُ لِأُمٍّ وَلِأَبْ
هَلْ تَراهُم خُلِقوا مِن فِضَّةٍ	أَمْ حَديدٍ أَمْ نُحاسٍ أَمْ ذَهَبْ
بَلْ تَراهُم خُلِقوا مِن طينَةٍ[1]	هَل سِوىٰ[2] لَحْمٍ وَعَظْمٍ[3] وَ عَصَبْ[4]
إِنَّمَا الْفَخْرُ لِعَقلٍ ثابِتٍ	وَحَياءٍ وَعَفافٍ وَأَدَبْ

ای که نابخردانه افتخار کننده به دودمان هستی، مردم، تنها از یک مادر و یک پدراند.
آیا آنان را می‌بینی (می‌پنداری) که از نقره، آهن، مس یا طلا آفریده شده‌اند؟
بلکه آنان را می‌بینی از تکّه گِلی آفریده شده‌اند. آیا به جز گوشت و استخوان و پی‌اند؟
افتخار، تنها به خِردی استوار، شرم، پاکدامنی و ادب است.

ب. اِسْتَخْرِجْ مِنَ الْأَبْياتِ اسْمَ الْفاعِلِ، وَ الْفِعلَ الْمَجهولَ، وَ الْجارَّ وَ الْمَجرورَ، وَ الصِّفَةَ وَ الْمَوصوفَ.

الفاخر- ثابت | خُلِقوا | بالنسب- لأُمٍّ- لأَبٍ | من فضة- من طينة- لعقل | عقل ثابت / موصوف / صفت

استخراج کن از بیت‌ها اسم فاعل، و فعل مجهول، و جار و مجرور، و صفت و موصوف را.



۱- **اَلطّـين:** گِل ۲- **سِوىٰ:** به جز ۳- **اَلْعَظْم:** استخوان «جمع: اَلعِظام» ٤- **اَلْعَصَب:** پی